

Indo-US relations with China after 9/11

Mohammad Reza Hatami*

Abstract

After the collapse of the Soviet Union and the end of the Cold War, the bipolar system in the world collapsed and international relations changed. Following the collapse of the bipolar system, new powers emerged in various parts of the world that could challenge US presence and influence in their own regions. One of these regions was East Asia, where China has grown rapidly since the collapse of the bipolar system. The West and India share a common concern about China's growing power in the South China Sea and its military expansion in the face of growing Russian-Chinese relations, which makes Delhi hesitant to improve relations with Russia. Another issue is Afghanistan, where the West, in the face of Pakistani and Chinese influence, is keen to increase India's engagement with Afghanistan and help Delhi develop and stabilize its security and economy.

Following China's economic growth, the United States has been forced to pursue strategies such as bilateral security-political alliances with powerful countries in the region such as India in Asia. US-led interaction between India and the West and the transformation of the Delhi-Washington relationship into an important strategic one in the Indo-South Asian political-security interaction is an important international political reality that could have far-reaching consequences for the balance of power in South and East Asia. Have

Keywords: India, USA, Theory of Alliances, 9/11, East Asia.

* Associate Professor of Payame Noor University, Hatami5 @yahoo.com

Date received: 25/05/2021, Date of acceptance: 09/06/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روابط هند و آمریکا در برابر چین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر

محمد رضا حاتمی*

چکیده

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد نظام دوقطبی در جهان فروریخت و روابط بین الملل دچار تغییر و دگرگونی گردید. به دنبال فروپاشی نظام دوقطبی، قدرت‌های جدیدی در مناطق مختلف جهان سر بر آوردند که می‌توانستند در مناطق خود حضور و نفوذ آمریکا را به چالش بکشند. یکی از این مناطق شرق آسیا بود که چین بعد از فروپاشی نظام دوقطبی، در این منطقه رشد بالایی داشته است. نگرانی مشترک غرب و هند از قدرت روز افزون چین در دریای چین جنوبی و گسترش نظامی این کشور در تقابل با روابط رو به گسترش روسیه و چین می‌باشد که این مسئله دهلی را در مورد ارتقا سطح روابط با روسیه مردد می‌نماید. مسئله دیگر مسئله افغانستان می‌باشد که غرب به شدت در برابر نفوذ پاکستان و چین در این کشور خواهان رشد تعاملات هندوستان با افغانستان و کمک دهلی برای توسعه و تثبیت امنیتی و اقتصادی این کشور می‌باشند.

به دنبال رشد اقتصادی چین، آمریکا و ادار به پی ریزی استراتژی‌هایی چون پیمان‌های دوجانبه امنیتی - سیاسی با کشورهای قدرتمند منطقه‌ای چون هند در آسیا شده است. تعاملات میان هند و غرب به رهبری ایالات متحده و تبدیل رابطه دهلی - واشگتن به یک رابطه راهبردی مهم در تعاملات سیاسی امنیتی حوزه اقیانوس هند و جنوب آسیا یک واقعیت مهم سیاست بین‌الملل تلقی می‌شود که می‌تواند پیامدهای بسیار بزرگی بر موازنه قوا در جنوب و شرق آسیا داشته باشد. سوالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که رویکرد آمریکا در قبال چین در منطقه آسیا - پاسفیک چگونه خواهد بود؟ فرضیه ارائه شده

* دانشیار دانشگاه پیام نور، Hatami5@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

این است که سیاست خارجی آمریکا بیانگران است که برای مهار چین و حفظ هژمونی منطقه‌ای خود مبادرت به پیمان‌های دوجانبه با قدرتهای منطقه‌ای مانند اتحاد با هند که از کشورهای قدرتمند منطقه آسیا است مبادرت می‌ورزد.

کلیدواژه‌ها: هند، آمریکا، تئوری اتحادها، یازده سپتامبر، شرق آسیا.

۱. مقدمه

نگرانی‌های رایج در مورد چین و رشد قاطعانه در آسیا، مشارکت با ایالات متحده را پیش می‌برد، و هند مهمترین شریک بلند مدت تجاری آمریکا می‌باشد، و این استراتژی از طریق تئوری اتحادها قابل درک می‌باشد، ایالات متحده به دنبال یک بازی خارج از خانه در آسیا برای حضور و نفوذ بیشتر در قاره آسیا در برابر قدرت نوظهوری چون چین می‌باشد و بر این مبنا آمریکا راه جلوگیری از افزایش قدرتیچین را اتحاد و مشارکت با قدرت‌های بیشتر می‌داند (Chaulia, 2002: 7-9).

دهلی‌نو در وضعیت فعلی به سوی همکاری هر چه نزدیک‌تر با ایالات متحده گام برمی‌دارد. که علت عمده آن، برقراری موازنه در قبال چین در آسیاست حرکت به سمت سیاست ائتلاف می‌باشد. از دهه ۱۹۹۰، هند همواره سعی کرد تا خود را به عنوان قدرت مسلط در جنوب آسیا بنمایاند و روابط خود را با همسایگان کوچک‌ترش مجدداً برقرار سازد و اختلافات فیما بین را حل کند (توحیدی، ۱۳۸۶: ۱۸).

متحد شدن هند و آمریکا زمینه مقابله با پاکستان را فراهم می‌کند می‌توان گفت هدف اصلی آمریکا با هند نیز تبدیل هند به قدرت نظامی منطق‌های و تلاش برای مهار چین متحد پاکستان، می‌باشد (شفیعی، ۱۳۸۷: ۲).

بنابراین می‌توان گفت هند به دلیل وسعت سرزمینی و به دلیل تسلطش بر اقیانوس هند (Indian Ocean) دارای اهمیت ژئوپلیتیکی می‌باشد و نقش استراتژیکی در مسائل امنیتی آسیا دارد، و در سیاست آمریکا جایگاه خاصی دارد (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲۹). ایالات متحده از هند در تأمین امنیت منطقه هند و اقیانوس هند حمایت می‌کند هر چند چالش امنیتی بین ایالات متحده و هند وجود دارد اما سیاست خارجی آمریکا نسبت به هند به عنوان گزینه‌ای برای ایفا نقش جهانی نگاه می‌کند و به عنوان یک شریک استراتژیک حمایت می‌کند (Rouhani, 2020: 1).

روابط هند و آمریکا در برابر چین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (محمد رضا حاتمی) ۵

در این راستا آمریکا با توسل به ظرفیت‌های خود و با اهداف امپریالیستی به دنبال محاصره و مهار چین در منطقه شرق آسیا می‌باشد آمریکا برای دنبال کردن ایجاد فضای حیاتی و افزایش حضور نظامی در روند معادلات نظامی - امنیتی آسیا و اقیانوس آرام و همچنین مهار کردن چین به عنوان یک بازیگر رقیب در معادلات منطقه‌ای است. (MearShaimer, 2010: 381-388) بر همین اساس برای رسیدن به اهدافش راهبرد اتحادهای دوجانبه از جمله اتحاد با هند به عنوان کشور قدرتمند در منطقه را در پیش گرفته است. هرچند بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکا ناچار به همکاری با چین برای حفظ هژمونی و مدیریت خود می‌باشد (شاهنده، ۱۳۷۵: ۱۸۳). این مقاله بر اساس روش توصیفی و تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای - اسنادی می‌باشد.

نگارنده، در این مقاله، به بیان چگونگی اتحاد و همکاری دوجانبه آمریکا و هند و این‌که چگونه این اتحاد می‌تواند قدرت آمریکا در منطقه شرق آسیا را حفظ کند می‌پردازد. نگارندگان، در راستای تشریح رابطه هند و آمریکا در برابر چین، از چارچوب تئوری اتحاد و ائتلاف‌ها استفاده می‌کنند؛ که در زیر به عنوان چارچوب مفهومی توضیح داده می‌شود.

۲. چهارچوب مفهومی

پرسش در مورد علت همگرایی و اتحاد کشورها در سیاست خارجی یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در عرصه مطالعات سیاست خارجی و روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، از این منظر بسیاری از مطالعات نظری در روابط بین‌الملل بر مبنای تلاش برای فهم این نکته است که چرا و چگونه برخی از دولت‌ها با یکدیگر تشکیل اتحاد می‌دهند. با وجود گستره مطالعات گوناگون، در پارادایم‌های رقیب در روابط بین‌الملل بنظر می‌رسد بیشتر نظریه‌های روابط بین‌الملل با وجود تعارض‌های فراوان، در این نکته که اتحادها در واکنش به تهدیدات شکل می‌گیرند، اتفاق نظر وجود دارند. تفاوت اصلی آن‌ها در داخلی یا خارجی بودن منشاء تهدیدات است. رویکرد اتحادها به واسطه توجه به کاربرد مفاهیمی چون قدرت، تهدید و دولت بر مبنای آموزه‌های واقعی‌گرا در روابط بین‌الملل مبتنی است، استدلال می‌کند که ماهیت قطبی و آنارشیک نظام بین‌الملل ایجاد اتحادها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در این راستا (مارتین وایت) تسریع می‌کند: کارکرد اتحادها تحکیم امنیت متحدان و ارتقاء منافع آنان در جهان بیرون است (Walt, 1978: 12). کار در حوزه

اتحادهای برای اولین بار توسط جورج لیسکا انجام شد. وی بر ارتباط سنتی الگوهای اتحاد در نظام بین‌الملل معاصر تأکید کرد و معتقد بود که به طور مثبت، دولت‌ها وارد اتحاد می‌شوند، برای اینکه با یکدیگر در جهت تکمیل قابلیت‌هایشان پیش بروند (Liska, 1962: 19). "لیسکا" معتقد است: سخن گفتن از روابط بین‌الملل بدون مراجعه به اتحادها غیر ممکن است" (8: Bergsmann, 1991). به بیان دیگر در تعریف اتحاد می‌توان گفت یک توافق سریع در میان کشورها در حوزه امنیت ملی است که در آن شرکا وعده کمک‌های متقابل در سهم قابل توجهی از منابع در مورد یک احتمال خاص را که نامشخص است می‌دهند، همچنین در راستای شکل‌گیری تهدیدات دولت‌ها بیشتر به هم می‌پیوندند و تلاش می‌کنند کشورهای دیگر را با خود متحد کنند. والت بر خلاف نظریه توازن قدرت سنتی بیان می‌کند که کشورهایی که به سمت اتحاد می‌روند به منظور تعادل تهدید است و بر اساس مصلحت این اتحادها شکل می‌گیرند. (Waltz, 1987: 26). قوام نیز در "کتاب اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل" استراتژی اتحاد و ائتلاف را چنین تعریف می‌کند:

بر خلاف استراتژی‌های عدم تعهد، بیطرفی و انزوا طلبی که دولت‌ها را مجبور می‌کنند از قبول تعهدات سربازند، در نوع دیگری از جهت‌گیری، دولت و یا گروهی از دولت‌ها از طریق اتحاد یا ائتلاف تعهداتی را در قبال یکدیگر می‌پذیرند. این دولت‌ها احساس می‌کنند که بدون قبول برخی تعهدات به ویژه تعهدات نظامی قادر به مقایسه با تهدیدات خارجی یا دفاع از منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی خارجی نخواهد بود (قوام، ۱۳۷۲: ۱۸).

کشورهای ضعیف و قوی هر کدام به نوعی نیاز به تشکیل اتحاد دارند، کشورهای ضعیف زمانی وارد اتحاد می‌شوند که نیاز به حفاظت در برابر یک دولت قوی دارند. اما دولت‌های قوی برای حفظ تعادل قدرت به اتحاد وارد می‌شوند (سانگیت ساریتا). به طور کلی اتحادها، موافقت‌نامه‌های بازاند و در مقابل ادغام کامل، اتحاد استفاده از نوعی تصمیم مشترک برای مقابله با تصمیم پیش‌بینی شده است. (28: Benjamin, 1996). پس در این راستا کشورهایی که برابند اتحاد روی می‌آورند به واسطه تشریک مساعی با یکدیگر قدرت خود را افزایش می‌دهند و یا دست‌کم مانع از آن می‌شوند که دشمن توانایی افزایش قدرت را از طریق تجمیع قدرت با آن کشورها، پیدا کند. در مجموع و براساس این راهبرد

روابط هند و آمریکا در برابر چین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (محمد رضا حاتمی) ۷

همان‌طور که مورگنتا تصریح می‌کند، اتحادها بر پایه مصالح تشکیل می‌شوند و هدف از ایجاد اتحادها جلوگیری از دستیابی کشورهای دیگر به قدرت مسلط است (Morgenthau, 1985: 80). با توجه به مطالب گفته شده در مورد جایگاه چین در نظام جهانی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، اما وجه مشترک همه این دیدگاه‌ها بیانگر این نکته است که جایگاه چین در سلسله مراتبی قدرت جهانی در حال افزایش است و یکی از تئوری‌هایی که می‌تواند توضیح مناسبی در مورد رشد اقتصادی و تحولات معاصر چین و شکل‌گیری قدرت نوظهور چین در برابر آمریکا باشد، تئوری اتحاد و ائتلاف‌ها می‌باشد، می‌توان از این تئوری برای توضیح استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا و هند در شکل پیمان‌های دو جانبه برای ایجاد توازن قوا در قبال چین استفاده کرد روابط هند و آمریکا از زمان استقلال هند در ۱۹۴۷ تا پایان جنگ سرد از پویایی خاصی برخوردار نبود. در این دوره روابط این دو کشور متأثر از بلوک بندی‌های متصلب شرق و غرب و نزدیکی هند به شوروی از یک سو و قرار گرفتن هند در رأس جنبش‌های ضد استعماری و جنبش عدم تعهد از سوی دیگر فرصتی را برای نزدیکی دو کشور باقی نمی‌گذاشت. اما چنان‌که ذکر شد پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی چونان نقطه عطفی بود که هند و آمریکا در محاسبات استراتژیک یکدیگر نقش روز افزونی پیدا کردند؛ اگر چه نقش آمریکا از قوت بیش‌تری برخوردار بوده است. فروپاشی شوروی باعث شد تا تکیه گاه سنتی هند در جهان (شوروی) از بین رفته و این کشور مجبور به تغییر در سیاست خارجی خود گردد. هم‌زمان با روی کار آمدن دولت‌های توسعه‌گرا و اقتصاد محور شدن سیاست‌های کلان، هند تعریف نوینی از روابط خود با غرب به ویژه ایالات متحده ارائه و بر اساس آن سیاست خارجی خود را تنظیم کرد. بر این اساس، روابط با آمریکا پس از پایان جنگ سرد به خصوص از اوایل هزاره جدید روند رو به رشدی را آغاز کرد؛ اگر چه این روابط به هنگام آزمایش هسته‌ای هند موقتاً کند شد اما در اواخر دوره کلینتون سرعت گرفت و در دوران بوش به اوج خود رسید. امضای قرار داد هسته‌ای در دوره دوم بوش روابط دو کشور را وارد همکاری‌های استراتژیک کرد و این روند در دوران ریاست جمهوری اوباما افزایش یافت هم‌چنین در دوره ترامپ با این رابطه تأکید مشترک بر نقش نهادهای بین‌المللی، و اتحاد با کشورها بود. بر این اساس در این مقاله با استفاده از این تئوری، سیاست خارجی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر در آسیا، چگونگی نزدیکی سیاست خارجی آمریکا به هند و نقش این اتحاد دو جانبه در برابر چین در آسیا پاسفیک را بیان می‌کنیم.

۳. سیاست خارجی آمریکا در قبال هند

سیاست خارجی شامل همه تعاملات کشورها با دیگر کشورها می‌باشد، در پی فرایند جهانی شدن با توجه به وابستگی متقابل میان کشورها و ظهور جامعه جهانی و پیامدهایی که در سیاست خارجی هر کشوری دارند، همه کشورها از جمله هند در تلاش هستند تا خود را با این شرایط همراه کنند. بنابراین می‌بایست به سیاست خارجی کشورها پرداخت و عوامل موثری که در اتخاذ استراتژی در سیاست خارجی کشورها می‌باشند را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (Malone, 2009: 6).

هند کشور قدرتمند و نو ظهوری می‌باشد که پس از اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۹۱ روند رشد اقتصادی خود را در پیش گرفته است، با انجام اصلاحات اقتصادی از طریق آزادسازی سیاست‌های دولت و احیای مجدد هند و بخش خصوصی، هر چند نهادهای جهانی و روابط با قدرت‌های بزرگ تأثیر گزار می‌باشند. (Mitaw, 2020: 19)

رشد چین در دهه اخیر به طور پیوسته موجب باز تعریف موقعیت آن در سطوح منطقه‌ای و جهانی شده است، بازتعریفی که نگرانی بازیگران مختلف و به خصوص قدرت‌های بزرگی چون هند و آمریکا را فراهم کرده است. این دو قدرت، با نزدیکی به یکدیگر می‌کوشند تا مانع از برهم زدن توازن قوا در آسیا توسط چین گردند (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۵). در همین راستا شواهد حاکی از آن است که همسایگان منطقه‌ای چین من جمله هند و ژاپن نگران قدرت‌یابی چین در منطقه بوده‌اند. از طرفی دیگر ایالات متحده هژمونی برتر جهانی است که در شرق آسیا نظم سیاسی - امنیتی تأسیس کرده، هم‌چنان که در سایر مناطق دنیا نیز چنین نظمی را ایجاد کرده است و در واقع به لحاظ منافع متقابل آمریکا با کشورهای شرق آسیا هیچ نظم با ثبات‌تر و مفیدتر از آمریکا برایشان قابل جایگزین نیست. سیاست آمریکا در شرق آسیا مبنی بر پیوندهای امنیتی دوجانبه سخت و روابط اقتصادی چند جانبه نرم است، رابطه آمریکا با هند که در رابطه با مسائل امنیتی من جمله اختلافات مرزی و ارتقاء توانایی نظامی دوجانبه با چین می‌باشد، به پیوندهای امنیتی دوجانبه آمریکا و هند منجر شده است. (Egbrinle and Vander Putten:2011:3). روابط دوجانبه هند و ایالات متحده براساس "مشارکت استراتژیک جهانی" توسعه یافته است ارزش‌های دموکراتیک مشترک و افزایش همگرایی منافع در دوجانبه، منطقه‌ای و مشکلات جهانی. تأکید دولت در هند بر توسعه و خوب بودن

حاکمیت فرصتی ایجاد کرده است تا روابط دو جانبه را دوباره تقویت کند و همکاری را افزایش دهد هند و آمریکا شرکای استراتژیک پایدار در نظام جهانی زمینه تبادل منظم بازدیدهای سیاسی سطح بالا، جنبش پایدار دو جانبه را فراهم کرده است، همکاری، در حالی که معماری گفتگو وسیع و گسترده‌ای ایجاد کرده است (Kronstadt, 2017: 2-6).

روابط نزدیک و انعقاد قراردادهای دو جانبه هند با آمریکا در راستای این تقابل با چین می‌باشند. هند به دلیل اختلافات و درگیری‌های مرزی طولانی مدتی که با چین داشته، همواره از قدرت یابی این کشور، مدرنیزه شدن ارتش چین و همچنین همکاری‌های چین با پاکستان (مهم‌ترین رقیب و دشمن هند در منطقه) احساس خطر می‌کند. همچنین دولت در تبعید تبت و اقدامات خصمانه بین چین و هند موجب برقراری روابط نظامی - استراتژی هند با ایالات متحده شده است. (Goshi, 2012: 1). بر این اساس ایالات متحده خواستار نفوذ و گسترش قدرت خویش در آسیای شرقی و جنوبی می‌باشد. چرا که چین مانع عمده‌ای بر ضد نفوذ ایالات متحده می‌باشد. پس سیاست اتخاذ شده آمریکا در قبال هند سیاست حمایت بر مبنای راهبرد اتحادهای دو جانبه می‌باشد (Jervis, 2008: 45) معامله هسته‌ای هند آمریکا نقطه آغازین موفقیت هند در رسیدن به جایگاه عادلانه خود در سیاست‌های بین‌الملل مطابق با قابلیت‌های بالقوه و موجود این کشور می‌باشد، این توافق‌نامه یک اتحاد غیر رسمی بین هند و آمریکا می‌باشد که ناشی از همگرایی منافع امنیتی دو جانبه بین دو کشور می‌باشد. آمریکا قوانین بازی در شرق آسیا را بر اساس مناسبات استراتژیک با هند در برابر چین تغییر داده است. آمریکا می‌خواهد که هند به یک قدرت نظامی منطقه‌ای تبدیل شود تا در برابر چین نفوذ بیشتری در شرق آسیا داشته باشد. چرا که سایر قدرت‌های منطقه در صورت تحقق همکاری استراتژیک هند و آمریکا مجبورند در مصالح امنیتی خود تجدید نظر کنند و اتحادهای منطقه‌ای در شرق آسیا به سود آمریکا شکل بگیرد (شفیعی، ۱۳۸۷: ۲۵). این اتحاد و نزدیکی هند و آمریکا به نوعی بازدارندگی در برابر چین می‌باشد. چرا که دستیابی چین به قدرت فراوان، برابری کشورهای موجود در منطقه شرق آسیا، همچنین آسیا و جهان را برهم خواهد زد و جایگاه جهانی آمریکا را به عنوان مدل حفظ امنیت و مدافع سیستم امنیتی حاکم به چالش خواهد کشید. از این رو آمریکا در جهت مبارزه با چالش چین (که ناشی از قدرت نظامی این کشور و توسعه و اقتصادی شتابان ایجاد شده) با هند متحد شده است (Waltz, 1996: 118). اساساً هدف آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در آسیای شرقی تلاش برای تسهیل صلح، امنیت و مدیریت با ابزارهای

اولیه چون حضور نظامی مستقر آمریکا در منطقه و حمایت از تجارت آزاد همچنین استفاده از ابزارهای ثانویه‌ای چون تعاملات دوجانبه، چندجانبه دیپلماتیک می‌باشد. و همین عامل نیز موجب گسترش روابط نظامی گسترده آمریکا در منطقه آسیا شرقی با هند شده است (walter,2013: 2-12). به نوعی آمریکا در چالش با چین در شرق آسیا در راستای معماری دیپلماتیک با اعضای منطقه‌ای، چون هند، سیاست خارجی خود را پیش می‌برد. سیاست خارجی در راستای مشارکت دوجانبه و مشارکت دیپلماتیک فعال با این کشور برای حفظ منافع خود در شرق آسیا می‌باشد (Dived,2011: 10-13).

۴. استراتژی نوین سیاست خارجی هند

توسعه اقتصادی در زمینه توسعه اقتصادی مهم‌ترین دغدغه رهبران هند در دوره پس از استقلال سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت در صنایع سنگین و توجه به کالاهای سرمایه‌ای بود که این نیازها هم زمان بود با اتخاذ استراتژی عدم تعهد در سیاست خارجی. با استفاده از این استراتژی هند توانست از کمک‌های مالی و فنی هر دو بلوک قدرت بهره‌مند شود. (Kohli,2006:8)

هند درهای خود را به روی جهان و رشد اقتصادی به جای خودکفایی گشود و از بازیگران مهم در روابط بین‌الملل شد.

روابط خارجی، سیاست‌های انرژی و رشد اقتصادی همه با ساختار جدید سیاست خارجی مرتبط بوده‌اند. تحول سیاست خارجی هند با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد می‌توان گفت سیاست خارجی هند ترکیبی از اصول واقع‌گرایانه و ایده آلیستی است که با آمیختگی با هند در وضعیتی قدم به عرصه جهانی می‌گذارد که به عنوان اولین دموکراسی بزرگ با اقتصادی قدرتمند، فرهنگی چندگانه و از نظر مذهبی متنوعتر، در خارج از جغرافیای غرب واقع شده است. اگر هند بتواند رشد خود را تداوم بخشد، قادر خواهد بود به عنوان عضوی مهم در "غرب سیاسی" محسوب شود و نقشی کلیدی در تعاملات سیاسی در دهه‌های آینده ایفا کند.

دهلی‌نو در وضعیت فعلی به تدریج به سوی همکاری هر چه نزدیکتر با ایالات متحده گام برمی‌دارد. که علت عمده آن، برقراری موازنه در قبال چین در سیاست حرکت به سمت سیاست ائتلاف می‌باشد. از دهه ۱۹۹۰، هند همواره سعی کرد تا خود را به عنوان

روابط هند و آمریکا در برابر چین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (محمد رضا حاتمی) ۱۱

قدرت مسلط در جنوب آسیا بنمایاند و روابط خود را با همسایگان کوچکترش مجدداً برقرار سازد و اختلافات فیما بین را حل کند (توحیدی، ۱۳۸۶: ۱۸)

اتحاد و نزدیکی آمریکا و هند می‌تواند زمینه تقابل و رویارویی هند با رقیب خویش یعنی چین و دشمن دیرینه خود (پاکستان) را فراهم کند به بیان دیگر می‌توان گفت هدف اصلی آمریکا از قراردادهای هسته‌ای صلح آمیز با هند نیز تبدیل هند به قدرت نظامی منطقه‌ای و تلاش برای مهار چین متحد پاکستان، می‌باشد. (شفیعی، ۱۳۸۷: ۲) هند از قدرت‌گیری چین و تبدیل آن به یک قدرت مسلط آسیایی همواره نگران است پس اتحاد با آمریکا می‌تواند بخشی از استراتژی آمریکا- هند برای ایجاد بازدارندگی علیه چین و کاهش نگرانی این کشور باشد (والترز، ۱۹۹۶: ۱۱۸)، پس می‌توان گفت هند به دلیل وسعت سرزمینی و هم‌چنین به دلیل تسلطش بر اقیانوس هند دارای اهمیت ژئوپلیتیکی می‌باشد و نقش استراتژیکی در مسائل امنیتی آسیا دارد. علاوه بر این، هند نه تنها در آسیا بلکه در جهان یک محور کلیدی محسوب می‌شود و به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی یک قدرت مهم به حساب می‌آید و همین موجب شده است که از جایگاه خاصی در سیاست‌های آمریکا برخوردار باشد (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲۹) هند به دلیل وسعت زیاد، منابع اقتصادی در منطقه آسیا به عنوان متحد استراتژیک محسوب می‌شود، این کشور به دلیل قرار داشتن در ساحل اقیانوس هند به تنهایی به عنوان یک کشور قاره‌ای مطرح است و حلقه اتصال شرق، غرب و جنوب شرقی آسیا می‌باشد (صدوقی، ۱۳۸۵: ۶-۷) هم‌چنین هند به دلیل مجاورت با اقیانوس هند و ارتباط با مسیرهای دریایی و واقع شدن بین دو منطقه خلیج فارس و آسیای شرقی زمینه افزایش یا نفوذ حضور آمریکا در آسیا را فراهم می‌کند. (عزتی، ۱۳۸۶: ۸)

وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر از مهمترین عوامل نزدیکی ایالات متحده به هند می‌باشد (Schaffers, 2006: 38) هند با حمایت از سیاست‌های آمریکا و در اختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی به این کشور در جنگ علیه تروریسم بعد از ۱۱ سپتامبر، این کشور را به عنوان متحد استراتژیک خود پذیرفت (Tellis, 2005: 7) در ژانویه ۱۹۹۵، دو کشور یادداشت تفاهم دفاعی شامل همکاریهای نظامی و غیر نظامی، همکاری در زمینه تحقیقات دفاعی را امضاء کردند و سه گروه کاری جداگانه در این زمینه تشکیل دادند، گروه سیاست دفاعی مشترک، گروه تکنولوژی مشترک و کمیته سازماندهی مشترک، می‌توان گفت که همکاریهای دفاعی

دو کشور به تقویت توانایی هند در جهت تحقق بخشیدن نقش مطلوب این کشور به عنوان یک قدرت برتر منطقه انجامیده است (Rafique, 2008: 8).

همچنین دو کشور مذاکرات راهبردی به منظور هدایت منابع به سمت دستیابی به پیشرفت در زمینه سایبر امنیتی نیز انجام داده‌اند. با توجه به مقیاس، تنوع شبکه‌های تروریستی در هند، تمایل هند به قوانین کامپیوتری و سیستم اطلاعاتی به عنوان بخشی از مبارزه جهانی آمریکا علیه تروریسم مورد حمایت قرار می‌گیرد (Tellis, 2005: 44) توافق‌نامه همکاری‌های هسته‌ای هند و آمریکا آخرین رکن ساختار جدید روابط امنیتی بین دو کشور به شمار می‌آید، انعقاد این موافقتنامه بین دو کشور که دارای بزرگترین نظام دموکراسی از نوع شرقی و غربی می‌باشند دور جدیدی از روابط هند و آمریکا را به نمایش گذاشت و هند را به شریک استراتژیک آمریکا تبدیل نمود. خطوط کلی این موافقتنامه که حاصل یک دهه گسترش روابط امنیتی بین دو کشور بوده، بر مبنای آگاهی روز افزون از منابع امنیتی مشترک دو کشور بنا گذاشته شده. تحقق این توافقنامه، تحریم‌های ناشی از موضع هسته‌ای هند که مدافع امنیت جهانی در برابر تجارت هسته‌ای می‌باشد را برطرف خواهد کرد. (Schaffer&Mitra, 2006: 6-8) آمریکا در این موافقتنامه‌ها هند را به عنوان یک دولتی که سلاح هسته‌ای دارد به شکل دوفاکتور شناخته است (Gupta, 2005: 12-13).

با پایان جنگ سرد روابط هند و آمریکا از محدودیت‌های حاکم بر جهان دو قطبی شد. در آغاز این دوران تلاش ایالات متحده آمریکا، به منظور همراهی هند در تغییر اقتصاد نیمه سوسیالیستی این کشور و هدایت آن به سمت بازار آزاد نشان دهنده تمایل هر دو کشور به منظور آغاز روابطی گسترده بود.

وقوع حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در آمریکا، پس از جنگ سرد به عنوان نقطه عطف دیگری در تعیین چگونگی تعاملات مثبت و تغییرات گسترده روابط دو جانبه هر دو کشور مطرح شد. دولت آمریکا در دوران جورج بوش دوم این حادثه را یک حمله تروریستی قلمداد و اعلام کرد: افغانستان و پاکستان پایگاه اصلی سازماندهی این عملیات تروریستی بوده‌اند (Kapur, 2007: 52).

پیشنهاد سریع هند و پشتیبانی سریع هند و پشتیبانی و همراهی کامل این کشور از عملیات ضد تروریستی به رهبری آمریکا در جهان به عنوان بازتابی گسترده از تغییر روابط بین دو کشور مشاهده شد. از همین دوران هند گام فوری و بی سابقه‌ای از ارائه خدمات به

روابط هند و آمریکا در برابر چین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (محمد رضا حاتمی) ۱۳

ایالات متحده و همکاری کامل با این کشور برداشت. در اختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی برای انجام عملیات‌های ضد تروریستی آمریکا از جمله خدمات این کشور بود. (Kronstadt, 2005: 5) رئیس‌جمهور ترامپ و مؤدی در کاخ سفید برای اولین بار دیدار حضوری داشتند و از طرح ویزاهای H-1B و تغییر اقلیم حمایت کردند و بر تقویت همکاری دفاعی تاکید کردند و بیانیه مشترک دادند

کشور هند در سالهای اخیر ضمن در پیش گرفتن استراتژی همکاری جویانه چندگانه و متنوع سازی روابط با اغلب کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، چین، ژاپن، آسیای جنوب شرقی، میانمار، ویتنام و پاکستان وارد تعامل شده است که این امر در اغلب موارد و در جهتی مخالف با نهر وئیسیم و دارای مایه‌های قوی عملگرایانه بوده است. پاکستان، محرک بالقوه ارتباط بین هند و آمریکا می‌باشد، ستیزه جویی مرزی در مرز هند، پویایی هسته‌ای جنوب آسیا و نقش ایالات متحده، افغانستان، جنگ علیه تروریسم، کمک‌های نظامی و غیرنظامی آمریکا به پاکستان عامل مهم تأثیری در رابطه هند و آمریکا می‌باشد: Harsh, 2019 (16)

بنابراین می‌توان، اینطور مطرح کرد که تروریسم و موضوعات امنیتی مطرح شده پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و تقویت روابط بین دو کشور بوده است؛ به گونه‌ای که در چند سال اخیر تغییرات کمی گسترده‌ای در روابط هند و آمریکا وجود داشته و امروزه هر دو کشور در پی روابط امنیتی مشترک، روابط فرهنگی، استراتژیک، نظامی و اقتصادی گسترده‌ای را با یکدیگر آغاز کرده‌اند.

به عبارتی دیگر از جمله دلایل نزدیکی آمریکا به هند به عنوان یک متحد استراتژیک، برخوردار بودن هند از یک عامل بازدارنده در مقابل ماجراجوییهای چین در منطقه می‌باشد که این با بسیج کردن دولتهایی که در محیط پیرامونی چین قرار دارند، دنبال می‌شود. از طرفی دیگر هند نیز یک کشور قدرتمند با مزیت‌های متعدد به دموکراسی می‌باشد که با اتحاد با آمریکا در جهت تقابل و مهار چین حرکت می‌کنند (Kone, 2005: 4). روی هم رفته، توافق‌نامه‌های مذکور نشان دهنده پذیرش هند به عنوان قدرت منطقه‌ای نوظهور از طرف آمریکا است که می‌تواند حامی باثباتی در آسیا باشد. آمریکا دریافته است که راه پیروزی در برابر چین، پذیرش هند در جایگاه یک قدرت جهانی می‌باشد که با شرکت دادن هند در مدیریت تصمیمات جهانی می‌تواند در برابر چالش منطقه‌ای چین فائق آید.

اساساً هدف آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در آسیای شرقی تلاش برای تسهیل صلح، امنیت و مدیریت با ابزارهای اولیه چون حضور نظامی مستقر آمریکا در منطقه و حمایت از تجارت آزاد همچنین استفاده از ابزارهای ثانویه‌ای چون تعاملات دوجانبه، چندجانبه دیپلماتیک می‌باشد. و همین عامل نیز موجب گسترش روابط نظامی گسترده آمریکا در منطقه شرق آسیا با هند شده است (Walter, 2013: 2-12). به نوعی آمریکا در چالش با چین در شرق آسیا در راستای معماری دیپلماتیک با اعضای منطقه‌ای، چون هند، سیاست خارجی خود را پیش می‌برد. سیاست خارجی در راستای مشارکت دوجانبه و مشارکت دیپلماتیک فعال با این کشور برای حفظ منافع خود در شرق آسیا می‌باشد (Dived, 2011: 10-13).

روابط هند و آمریکا در سطح استراتژیک در چارچوب اقیانوس آرام قرار گرفته است، دولت ترامپ از از تمایل هند برای افزایش قدرت و رسیدن به یک قدرت نوظهور جهانی حمایت کرده است و موضع سختگیرانه‌ای نسبت به نقش پاکستان و شبکه‌های تروریستی جنوب آسیا و سطح جهانی اتخاذ کرده است (Manoj, 2019: 6).

۵. دلایل اتحاد هند و آمریکا

- فروپاشی اتحاد شوروی.
- سیاست‌های اصلاحات اقتصادی هند.
- نفوذ فزاینده هندیان مقیم آمریکا.
- اهمیت فزاینده استراتژیک اقیانوس هند.
- ظاهر شدن هند در عرصه جهانی به عنوان یک قدرت اقتصادی مهم.
- هند گزینه مناسبی برای کنترل چین می‌باشد.
- اتحاد هند با آمریکا، باعث افزایش تضاد هند و چین می‌شد

دهلی نو به عنوان شریک اصلی دفاعی ایالات متحده تعیین شده است و در حال تکمیل توافق نامه‌های خود با واشتگتن می‌باشد تا امکان بیشتری برای دستیابی به زیر ساخت‌های ارتباطات، فناوری پیشرفته آمریکا را فراهم می‌کند. این در حالی است که متحدان اروپایی و آسیایی از رهبری ایالات متحده در مناطق آسیا نگران می‌شوند، هند همچنین در نظام

روابط هند و آمریکا در برابر چین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (محمد رضا حاتمی) ۱۵

بین‌الملل به دنبال فرصتی برای افزایش دادن قدرت خود می‌باشد، این پیشرفت به خوبی با تمایل ترامپ برای تغییر استراتژی جهانی ایالات متحده و و تعادل در خارج از مرزها تغییر هزینه‌های خو در برابر چین می‌باشد (Chanda, 2018: 9).

۶. نقش پاکستان در روابط هند و آمریکا

یکی دیگر از موضوعات مهم مورد بررسی در سیاست‌های ضد تروریستی هند و آمریکا نحوه رفتار با پاکستان است حادثه ۱۱ سپتامبر بهترین فرصت برای هند جهت مزوی ساختن پاکستان فراهم ساخت و این کشور توانست در عرصه جامعه بین‌المللی به گونه‌ای رفتار کند تا پاکستان را به عنوان یک دولت با فعالیت‌های تروریستی بسیار خطرناک معرفی و از این طریق بتواند حمایت بیشتری در بین کشورهای قدرت‌مندی هم چون آمریکا نسبت به پاکستان در برابر اختلاف با این کشور به دست آورد.

پارلمان هند فعالیت‌های پاکستان را عامل اصلی حملات تروریستی در آمریکا دانست پاکستان مقصر دیگر حملات مرگبار در جامعه داخلی هند مانند حملات مارس ۲۰۰۲ به ارتش هند و کشته شدن ۳۴ نفر نیز شناخته شد این مسائل باعث شد که رهبران هند اعلام جنگ سرنوشت ساز با پاکستان را مطرح کنند اما مقامات آمریکایی و جامعه بین‌المللی سعی کردند تا هند را از این جنگ باز دارند در سال ۲۰۰۲ هر دو کشور به تنش‌های نظامی در مرزهای خود پایان دادند هیچ گفتگویی دیپلماتیک در سطح بالا میان هند و پاکستان برای حل مشکلات دو کشور شکل گرفت به جز ملاقات سال ۲۰۰۱ در شهر اگرا که آن هم شکست انجامید (Schaffer, 2010: 67)

به طور کلی در دهه‌های اخیر سیاست هند در برابر پاکستان به این صورت بوده است که تا با محاصره این کشور را تحت حمایت‌های آمریکا از حضور نیروهای پاکستانی در منطقه افغانستان بکاهد و همین طور مانع شکل‌گیری یک دولت رادیکال که برای امنیت منافع ملی خطرناک باشد، بشود.

رهبران هند مقاومت بسیاری بر فعالیت طالبان از سال ۲۰۰۵ و احیای القاعده دارند. حضور نیروهای طالبان در افغانستان به عنوان مانع بزرگی در سیاست‌های هندی عمل می‌کند و موجب کاهش نفوذ هند در بخش‌های زیادی از افغانستان خواهد شد با این وجود سیاست‌های هند در آسیای مرکزی بر این اساس است تا از طریق پایگاه‌های

نظامی‌اش در این منطقه پاکستان را از دو طرف افغانستان و آسیای مرکزی در شمال غرب تحت فشار قرار دهند.

هند در مقابل فعالیت‌های تروریستی در پاکستان سعی دارد از ثبات در افغانستان حمایت کند و برای این هدف نیاز به کمک آمریکا دارد از طرفی تداوم منافع آمریکا در آسیای جنوبی باعث شده که این کشور بر روی تنش‌ها و تعارضات این منطقه به خصوص بین هند و پاکستان تمرکز کند آمریکا همواره بر ایجاد آتش بس در کشمیر و شکل‌گیری مذاکرات و گفتگو بین هند و پاکستان تاکید دارد و به دنبال این است تا از انتشار سلاح‌های هسته‌ای در آسیای جنوبی جلوگیری کنند با این حال هم این و هم پاکستان در برابر این فشارهای آمریکا مقاومت کردند (Schaffer,2010:69)

پاکستان در برابر توسعه همکاری‌های نظامی و امنیتی هند و آمریکا چاره‌ای جز افزایش زرادخانه‌ها و تکیه بر بازدارندگی هسته‌ای نخواهد داشت بسیاری از پاکستانی‌ها سیاست‌های مقابله جویانه آمریکا و عدم تمایل هند به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در زمینه بحران کشمیر را مورد نقد قرار داده‌اند این بدان خاطر است که این سیاست‌های دوران بوش و ن سیاست‌های فعلی اوباما خیلی حاضر به ارائه راه حل مسالمت‌آمیز در این زمینه نبوده‌اند.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که شبکه‌های نظامی و اطلاع‌رسانی پاکستان و اندازه قوی هستند که آمریکا و هم نمی‌توانند به راحتی آن‌ها را نادیده بگیرند بنابراین امروز هند و آمریکا هر دو هم منافع مشترکی و هم تعداد مشترکین در برابر پاکستان خواهند داشت و بهترین راه برای دو کشور همکاری همزمان به منظور از بین بردن افراط‌گرایان خشونت طلب در پاکستان خواهد بود.

امروزه کشمیر یک چالش است که آمریکا نمی‌تواند به عنوان میانجی اختلافات هر دو کشور در این زمینه را برطرف کند و نه از تشکیل آن جلوگیری کنند هند امروز به اندازه‌ای قدرتمند شده است که به راحتی می‌تواند دخالت‌های خلاف میل آمریکا را در زمینه بحران کشمیر رد کند و دولتمردان آمریکا نیز این حق را به رسمیت شناختند.

۷. چگونگی سیاست خارجی تقابلی هند در برابر چین

ایالات متحده خواستار نفوذ و گسترش قدرت خویش در آسیای شرقی و جنوبی می‌باشد. پس سیاست اتخاذ شده آمریکا و هند سیاست حمایت بر مبنای راهبرد اتحادهای دوجانبه می‌باشد (Jervis,2008:45).

معامله هسته‌ای هند آمریکا نقطه آغازین موفقیت هند در رسیدن به جایگاه عادلانه خود در سیاست‌های بین الملل مطابق با قابلیت‌های بالقوه و موجود این کشور می‌باشد، این توافق‌نامه یک اتحاد غیر رسمی بین هند و آمریکا می‌باشد که ناشی از همگرایی منافع امنیتی دوجانبه بین دو کشور می‌باشد. آمریکا قوانین بازی در شرق آسیا را بر اساس مناسبات استراتژیک با هند در برابر چین تغییر داده است (Egbrinle,2011:4) آمریکا می‌خواهد که هند به یک قدرت نظامی منطقه‌ای تبدیل شود تا در برابر چین نفوذ بیشتری در شرق آسیا داشته باشد. چرا که سایر قدرتهای منطقه در صورت تحقق همکاری استراتژیک هند و آمریکا مجبورند در مصالح امنیتی خود تجدید نظر کنند و اتحادهای منطقه‌ای در شرق آسیا به سود آمریکا شکل بگیرد (شفیعی، ۱۳۸۷: ۲۵). این اتحاد و نزدیکی هند و آمریکا به‌نوعی بازدارندگی در برابر چین می‌باشد. چرا که دستیابی چین به قدرت فراوان، برابری کشورهای موجود در منطقه شرق آسیا، همچنین آسیا و جهان را برهم خواهد زد و جایگاه جهانی آمریکا را به عنوان مدل حفظ امنیت و مدافع سیستم امنیتی حاکم به چالش خواهد کشید. از این رو آمریکا در جهت مبارزه با چالش چین (که ناشی از قدرت نظامی این کشور و توسعه و اقتصادی شتابان ایجاد شده) با هند متحد شده است (Waltz,1996:118). اساساً هدف آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در آسیای شرقی تلاش برای تسهیل صلح، امنیت و مدیریت با ابزارهای اولیه چون حضور نظامی مستقر آمریکا در منطقه و حمایت از تجارت آزاد هم‌چنین استفاده از ابزارهای ثانویه‌ای چون تعاملات دوجانبه، چندجانبه دیپلماتیک می‌باشد. و همین عامل نیز موجب گسترش روابط نظامی گسترده آمریکا در منطقه آسیا شرقی با هند شده است (Walter,2013: 2-12). به نوعی آمریکا در چالش با چین در شرق آسیا در راستای معماری دیپلماتیک با اعضای منطقه‌ای، چون هند، سیاست خارجی خود را پیش می‌برد. سیاست خارجی در راستای مشارکت دوجانبه و مشارکت دیپلماتیک فعال با این کشور برای حفظ منافع خود در شرق آسیا می‌باشد.

(Dived, 2011: 10-13). به عبارتی دیگر آمریکا با حمایت از هند موقعیت خود را به عنوان یک قدرت بزرگ در شرق آسیا تقویت کند (Manjeet S Pardesi, 2011: 1-15) تقویت رشد اقتصادی چین و هند منجر به افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی و نظامی آن‌ها می‌شود.

با وجود مشابهت‌ها و تقارن در رونابط دو کشور، رقابت استراتژیکی دو جانبه چین و هند به این معنی است که در روابط این دو کشور رقابت در اکثر موضوعات اصلی جهانی اولویت دارد.

چین و هند در اصلاح نهادهای بین‌المللی اتفاق نظر دارند، اما دو کشور در بسیاری از جزئیات مانند آینده معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای اختلاف نظر دارند (تیشه، ۱۳۹۷: ۹-۴).

چین و هند اختلاف نظر قابل توجهی در بسیاری از موضوعات مربوط به امنیت آسیا، ثبات منطقه، امنیت دریایی، فضایی و فضای سایبری دارند. چین و هند اتفاق نظر گسترده‌ای در موضوعات مربوط به سیستم بین‌الملل، اصلاح نهادهای بین‌المللی امنیت انرژی و محیط زیست دارند.

آینده روابط هند و چین بستگی زیادی به نخبگان آن دو کشور و تصور و ادراک نخبگان دو کشور از نیت و مقاصد یکدیگر دارد (Arif, 2013: 407). اختلاف مرزی هند و چین از دیر باز می‌باشد و این خط مرزی در مرز مشترک همپالیا سالهاست که مورد اختلاف این دو کشور بوده و همواره یک معضل سیاسی و نظامی بین دو کشور است. تنش‌های اخیر بین چین و هند یادآور لزوم یک توافق استراتژیکی جدید در منطقه است. در ۵ می ۲۰۲۰، سربازان چینی و هندی در مناطقی در امتداد مرز چین و هند، از جمله در نزدیکی دریاچه مورد اختلاف پانگونگ در لاداخ و منطقه خودمختار تبت، در نزدیکی مرز بین سیکیم و منطقه خودمختار تبت. درگیری‌های نیز در مکانهایی در شرق لاداخ در امتداد خط کنترل واقعی (LAC) صورت گرفت. اختلافات مرزی چین و هند بعد از طرح یک جاده یک کمربند و واگذاری بندر گوادر در ایالت بلوچستان و نزدیکی چابهار ایران به چین افزایش چشمگیری یافت؛ علت این امر هم آن است که جاده قره‌قروم که چین را به گوادر وصل می‌کند، از کوه‌های کشمیر و محل مورد منازعه هند و پاکستان عبور می‌کند. هندی‌ها مدعی می‌باشند که تبت به دلیل مذهب بودایی متعلق به هند است. همچنین چین

روابط هند و آمریکا در برابر چین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (محمد رضا حاتمی) ۱۹

مدعی است که حدود ۹۰ هزار کیلومتر مربع از مناطق مرزی متعلق به این کشور است. این اختلاف تا به امروز همچنان لاینحل باقی مانده است (ثنائیان زاده، ۱۳۹۹: ۲)

۸. نتیجه گیری

با توجه به گسترش قدرت روز افزون چین در شرق آسیا و تأثیر آن بر کلیه معادلات امنیتی و اقتصادی در این منطقه به نظر می‌رسد که توجه غرب و مخصوصاً ایالات متحده به سوی دهلی نو (به عنوان متحدی بالقوه در منطقه اقیانوس هند که دارای توان انگیزه کافی جهت حفظ و حراست از منافع مشترک در برخورد با چالش‌های مشترک) را به خود جلب کرد. نکته قابل ملاحظه در این مورد این است که هندوستان بر خلاف بیشتر متحدین ایالات متحده در منطقه از تمام امتیازات یک قدرت بزرگ از قبیل اقتصادی متکی به خود متنوع و با ثبات، وسعت سرزمین، تناسب جمعیت از نظر کیفیت و کمیت، توان نظامی بالا و حتی توان هسته‌ای بالا و ... برخوردار است که این مسئله در تقابل مستقیم با متحد قدیمی غرب در این منطقه (پاکستان) به عنوان دولتی شکننده با قدرت هسته‌ای نیازمند مراقبت و اقتصادی سستی و بسیار شکننده و وابسته به کمک‌های اقتصادی غرب که برخی اهداف سیاست خارجی و امنیتی آن در منطقه از جمله در افغانستان و آسیای میانه و همین‌طور در تعامل با چین در تضاد با منافع راهبردی غرب و ایالات متحده می‌باشد، قرار می‌گیرد. امروزه رشد چشمگیر

این مسئله البته بار دیگر اهمیت توسعه منطقه چابهار در مسیر سیاست این کشور در افغانستان را نشان می‌دهد. مسئله مهم دیگری که ارتباط نزدیک میان هند و غرب را توضیح می‌دهد وجود نظام‌های سیاسی مشابه در هر دو طرف این رابطه می‌باشد که نظام‌های سیاسی سکولار مبتنی بر دموکراسی می‌باشند که این مسئله منجر به پدید آمدن فرهنگ سیاسی نسبتاً مشترکی می‌شود که در آن فضایی مناسب برای گفتمان و درک متقابل از نیازها فرصت‌ها و محدودیت‌های دو طرف را پدید می‌آورد. البته این مسئله در دوران جنگ سرد هم وجود داشت اما وجود انگیزه‌های قوی سوسیالیستی و ضد امپریالیستی در طرف هندی موجب به تأخیر افتادن تقویت این همکاری‌ها و در نتیجه ایجاد چنین فضای گفتمانی و بین‌الذهانی می‌شد. که با فروپاشی اردوگاه سوسیالیستی و از میان رفتن حامیان قدیمی این کشور در کرملین هندوستان متوجه ضعف‌های اساسی خود در زمینه‌های

مختلف نیز شد. در همین راستا می‌توان گفت که بدست آوردن موفقیت‌های چشم‌گیری که چین با رشد روزافزون اقتصادی خود در سه دههٔ اخیر همزمان با انجام اصلاحات سیاسی به‌دست آورده است، نشان از پتانسیل‌های بالای قدرت و مدیریت منسجم و هوشمندانهٔ رهبران چین می‌باشد که تا حدودی توانسته‌اند جایگاه ابرقدرتی و هژمونی آمریکا را با چالش جدی مواجه کند. سیاست آمریکا در جهت جلوگیری از ظهور چین به عنوان یک قدرت هژمونی منطقه‌ای در شرق آسیا، حمایت از قدرت‌های آسیایی من جمله هند و تاکید بر اختلافات این کشور با چین می‌باشد؛ هند با اتخاذ سیاست‌های لیبرالیزاسیون اقتصادی از دهه ۹۰ به سرعت به یکی از قدرت‌های بزرگ تبدیل شد و با اتحاد با آمریکا در راستای مهار چین در منطقه و افزایش قدرت منطقه‌ای خود تلاش می‌کند. پس می‌توان گفت که آمریکا برای حفظ منافع خود، عملکردی چون انعقاد پیمان‌های دوجانبه با هند را درپیش گرفته است.

کتاب‌نامه

- توحیدی، ام البنین. (۱۳۸۶)، رویکرد نوین سیاست خارجی هند، گروه مطالعات آسیا/ معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۶.
- تیشه یار، ماندانا، فتحی، محمدجواد، دشتگرد، مجید (۱۳۹۷)، رقابت هژمونیک هندوستان و چین در جنوب و جنوب شرق آسیا (با تاکید بر مؤلفه‌های اقتصادی و نظامی)، مطالعات شبه‌قاره، (۳۴).
- ثنائیان زاده، خدیجه (۱۳۹۹)، روابط بحرین و اسرائیل (ایجاد ناتوی عربی برای کاهش قدرت و محور مقاومت)، ۲۵ شهریور، روزنامه همدلی ۱۳۹۹/۶/۲۵.
- دفتری، مریم. (۱۳۷۴)، "روابط چین و هند، چالش‌ها و فرصت‌ها در دهه نود"، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۴، زمستان.
- شاهنده، بهزاد (۱۳۷۵)، "چین بزرگ: قدرت فراتر از مرزهای ملی" مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۵.
- شریعتی نیا، محسن (۱۳۸۷)، "روابط چین و قدرت‌های بزرگ"، در مجموعه قدرت‌های آسیایی، گردآوری محسن شریعتی نیا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شریعتی نیا، محسن. (۱۳۸۴)، "مشارکت استراتژیک هند و آمریکا" برگرفته از:

روابط هند و آمریکا در برابر چین بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (محمد رضا حاتمی) ۲۱

شفیعی، نوذر (۱۳۸۵)، "همکاری هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا: علل و پیامدها" فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره ۵۵.

شفیعی، نوذر (۱۳۸۷)، "تأثیر همکاری هسته‌ای هند و آمریکا بر وضعیت ژئوپلیتیک جنوب آسیا"، از: <http://www.Dr.shafie.ir/post-5.aspx>.

صدوقی، مرادعلی. (۱۳۸۵)، "چشم انداز نقش هند در محیط امنیتی- استراتژیک جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره ۱۳.

عزتی، عزت الله (۱۳۷۴)، "ژئواستراتژی" انتشارات سمت.

عزتی، عزت الله. (۱۳۸۶) و تحولات ژئواستراتژیک در قرن ۲۱ به نقل از: <http://Carpediemi.Ainima.com>

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت.

- Benjamin, gomes(1996), the Alliance Revolution: the new shape of Business Rivalry, Cambridge, mass:Harvard university press.
- Bergsmann, Stefan, (1991), " The concept of Military Alliance", WWW.bmlv.g v. at/ pdf-pool/ publikatioen/05- small- states.4.pdf.
- Chanda, N, (2018). The US initiative is intended to be a "clear alternative" to Chinese investment in Asia. CNBC. <https://www.cnbc.com/> [Google Scholar.
- Dived M. maliane(2011), Does the Elephant Dance? contemporary India foreign polity, new york: axford university press.
- DR. Sangit saita Dwiwedi, (2012) " Alliances in International Relations theory", International Journal of sociemce and Interdisiplinary Research, vol.1 Issue and, August, Issn 22773635.
- Egbrinle, Fenna and Fans-paul vander Putten(2011),"Asean, china s Rise and Geoplitical Stablity in Asia", Neither lands Institwte of international Relastions" the lague.
- Hoge, james (2004). "A Global power shift in the making: Is the united States Ready?" foreign Affairs, Vol. 83 &84, July/ August.
- Harsh V Pant and Kabir Taneja, Editors(2019), "Looking Back and Looking Ahead: Indian Foreign Policy in Transition Under Modi", ORF Special Report No. 93, July 2019, Observer Research Foundation.
- Jervis, Robert (1986). "From Balance to Concert: A Study of Cooperation", International Security, ink.A.oye.ed, Princeton Univ.Press.
- Jervis, Robert(2008), cooperation under security Dillema. In Richard k, Betts. Conflict After the cold war. Argument causes of war and peace. New york: Columbia university.
- Kone, Swapal. (2005). "India- U.S nuclear de. Al. American strategic interast", Institute peace conflict studies, Vol.9. No.4.

- Kohli a, Atul. (2006). "Politics of Economic Growth in India, 1980- 2005", Part I: The 1980s", Economic and
- Kronstadt, K. Alan (2017), Coordinator, India-U.S. Relations: Issues for Congress, Specialist in South Asian Affairs, Congressional Research Service, www.crs.gov R44876, June 19.
- Kapur, S. P. and S. Ganguly. (2007). the transformation of US- India relations: an explanation for the rapprochement and prospects for the future.
- Liska, George, (1962), Nation in Alliance: the limits of interdependence, Bultimore, Md: Johns Hopkins university press,3.
- Malone David M. (2009),International Development Research Centre, Asia Pacific Foundation of Canada Reserch Reporte,Jawaharlal Nehru University, New Delhi
- Mitaw Acharya(2020), "Why the ASEAN India-Pacific Outlook Matters", East Asia Forum, 11 August 2019, <https://www.east-asiaforum.org/2019/08/11/why-aseans-indo-pacific-outlook-matters/print/> (available April 29, 2020
- Manoj, P. (2019, December 25). Chabaha Port: The United States is helping India "write" banks to finance the purchase of \$ 85 million worth of equipment. Hindu Business Line. <https://www.thehindubusinessline.com>
- Morgenthau, Hans(1985), politics among nations, the struggle for pover and peace, newyork: konpf.
- Manjeet S Pardesi (2011)," India, US in East Asia: Emerging Strategic Partnership", No. 54/2011 dated 8 April.
- Schaffer, Teresia and pramit mitra. (2005). "India's global power?", India Special, December16.
- Schaffer, T. C. (2010). Obama in India Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- Walt, Stefan M. (1987): "The orion of Alliances", I thaca/ new york.
- Waltz, Stephen (1987), The origins.of Alliinces Ithaca, cornel university press.
- Waltz, kennethn(1996), teory of international politics, Reading: Addison- wesle.
- walter, lohman (2031),Testimony befor the subcommittee on Asia and pacific committeeon foreign Affairs united states House of Reperesent ntatives march Director Asian studes conteritage foundation.